

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Historical

تاریخی

موسوی

۰۱ اگست ۲۰۱۹

"قسمت اول"

مختصری بر، دروغ های

"جناب" صدراعظم سلطان علی کشتمند

۵

به ادامه گذشته:

در صفحه "۲۹" هر چند از ساختن کمر بند دفاعی لومپن ها تذکر می دهد مگر اسامی افراد را معرفی نمی دارد:  
" ... طرح به صورت محرم و به اصطلاح قاچاقی به وسیله کادر های خاص مورد اعتماد کامل ... عملی گردیده  
و در آن زمانیکه کارمل هنوز زندان و پولیس به اختیار نداشت برای تهدید و ارباب مخالفین در ون حزبی از آن  
استفاده می شد ... " – صاحب این قلم را عقیده بر آن است که ببرک کارمل در طول عمر نکبتبارش همیشه  
پولیس وزندان در اختیار داشته، چه از یکطرف موجودیت افراد "ک . ج . ب . " که روابط نزدیک و همکاری  
متقابل با ببرک کارمل داشتند و بعضی از آنها چون حس شرق و سایرین در مقامات بالای دولتی ایفای وظیفه می  
کردند این امکان را به صورت دایم در اختیار ببرک قرار می داد و از جانب دیگر شخص ببرک سالیان متوالی در  
خدمت استخبارات ظاهر و مصونیت ملی داوود قرار داشت. لو دادن قهرمانان دوره هفت شورا و بعد ها هادی  
کریم، دستگیر پنجشیری، میوند وال . . . و سایرین گواهیست انکار ناپذیر بر صحت این ادعا.  
در صفحه "۳۷" می نویسد:

"به این اساس هر دو جناح حزب دموکراتیک خلق افغانستان در حالی که جای پای خود را در اردو محکم می  
کردند در افشاء و سرکوب دسایس پیهمی که علیه جمهوری داوود صورت می گرفت، سهم فعال داشتند ... " -

یعنی جاسوس دولت بودند و آدم می کشتند- موسوی

در صفحه "۵۰" در مورد ببرک چنین می نویسد :

"... فخر فروشی می کرد و به اصطلاح خود می گفت که به حلقه اساسی قدرت جنگ انداخته و در این میان کسی

حریف وی نیست ... " - اعتراف به جاسوسی- موسوی

در صفحه "۶۷" در بیان خصوصیت یک قومندان پرچمی " قومندان گارد نجیب " و مقایسه وی با قومندان کارد  
داوود صاحب جان و پایمردی اش چنین می نگارد :

"... و به این صورت یک بار دیگر در تاریخ زندگی افراتاثبات می شود که فرق بین مرد ها و نامرد ها از کجاست تا به کجا ... " نامرد به مفهوم وطنی آن- موسوی

در صفحه "۹۰" در مورد "آقای" نبی عظیمی و کتابش چنین می نگارد :  
"آقای عظیمی که وظیفه گرفته بود تا در تاریخ معاصر ما جعلکاری و تقلب نماید ... " - متقلب و جعلکار-  
موسوی

در صفحه "۹۱" باز هم در مورد نبی عظیمی چنین ادامه می دهد:  
"... برعکس یک مؤرخ خوب با صدر کوچک، وجدان خفته، ضمیر تهی از حقیقت و غرور ملی ..."  
در صفحه "۹۶" در رابطه با گروپ ببرک یعنی پرچم می نگارد :  
"در وجود گروپ وطن فروش کارمل و گروپ چهار نفری به رهبری اسدالله سروری ... " - وطن فروش-  
در صفحه "۱۰۶" در رابطه با باند ببرک چنین ادامه می دهد:  
"کارملی ها در برطرفی و برگماری کارمندان ... دست آزاد یافته ... و با دیده درانی کارمندان لایق و سابقه ... " - قانون شکن و دیده درا- موسوی

در صفحه "۱۱۳" از جریان اختلاس و رشوه ستانی "فرید مزدک" و "کشتمند" پرده برداشته می نویسد:  
"اما فرید مزدک ... املاک دولتی ... فامیل خود فروخته بود ... و از این ناحیه ملیونها ... نزد کمیسیون متهم بود با همراهی کشتمند که به اخذ کمیشن هنگفت از طیاره آریانا ... کمیسیون را ... نخست تعطیل ... " -  
یعنی مختلس و رشوه ستان - موسوی

در صفحه "۱۱۸" در مورد ببرک چنین می نگارد:  
"مردم مصائب بزرگی که در "۶ جدی ۱۳۵۸" دامنگیر شان شده فراموش نکرده و کارمل را سمبول تجاوز، اشغال، وطن فروشی و سمبول جنگ سرد می دانند ... "  
در صفحه "۱۱۹" در رابطه با مخاطب خویش یعنی نبی عظیمی چنین می نگارد:  
"شما که خود را پیرو و شاگرد مکتب کارمل وانمود می کنید بلی مفهوم نه و نه به مفهوم بلی باشد. " - مغالطه کاری- موسوی

در صفحه "۱۲۰" باز هم در مورد ببرک چنین می افزاید:  
"این عنصر یعنی کارمل که چون موم به دست اجنبی چهره تبدیل می کرد ... " بی اراده و تابع اجنبی- موسوی  
در صفحه "۱۲۱" باز هم در مورد ببرک چنین می افزاید:  
"آنها تمامیت ارضی کشور را اصلاً به نفع خود و اقلیت اتنیکی خود ندانسته و به عنوان خواست واقعی هیچ گاه آن را مطرح نکردند" - خاین به تمامیت ارضی- موسوی

در صفحه "۱۲۳" در رابطه با مزدک یکی دیگر از رهبران پرچم می نویسد:  
"برایش گفتم این عمل را در تمام زبانها خیانت می گویند ... " - خاین - موسوی  
اکنون که "تجسم کامل یک پرچمی تمام عیار" را در وجود ببرک از دید یار دیرینه اش دیدیم بیجا نخواهد بود تا به دوام همین بحث، نظر نبی عظیمی - یکی از آدمکشان حرفه ئی و از خاینان وفادار به ببرک کارمل را راجع به منشی عمومی بعدی "حدخا" یعنی داکتر نجیب نیز بیان داریم.

نبی عظیمی در کتاب "اردو سیاست" - امید مشکلات زندگی آوارگی، به صاحب این قلم امکان آن را ارزانی دارد تا در فرصت دیگری، جنرال عظیمی را که دون کیشوت گونه سوار بر تانکهای روسی به جنگ با واقعیت های انکار

ناپذیر دو دهه اخیر به عوض آسیای بادی "دون کیشوت" پرداخته است، نیز از فراز آن تانکها که دیگر به "روئانی" مبدل شده به زیر کشیده در برابر کابوس مرگ واقعیت های دو دهه اخیر قرار دهم – در صفحه "۵۵۶" در رابطه با نجیب چنین می نویسد:

"... همه افسرده، متأثر و ساکت بودند، با ورود من و سیوان همه ایستاده شدند، سیوان نجیب را در بغل گرفت و بوسیو برایش ... من نشستم و به این مرد عوام فریب و مدهانه گر تاریخ با دقت نگریستم ... - عوام فریب و مدهانه گر - موسوی

نبی عظیمی در صفحه "۲۰۴" در رابطه با تره کی – به اصطلاح اولین منشی عمومی "حدخا" - چنین می نویسد:

"... می گویند در مجلسی که او می نشست بعد از ساعتی سخن گفتن، سکوت مستولی می گردید، زیرا مضمونی برای سخن گفتن وجود نمی داشت، اما شوخی و طنزهای زیادی می گفت و مستمعین خود را مشغوف می ساخت. جاه طلبی و خویشتن بزرگ بینی را حفیظ الله امین در وجود او پیوریش داد ... - نادان و بی مایه، دلفک، جاه طلب، ایگوییست، شخصیت ضعیف و تأثیر پذیر - موسوی

"جنرال صاحب" در صفحه "۲۰۹" کتابش در مورد یک هم مسلک ارتشی و حزبی اش از جناح "خلق" چنین می نویسد:

"وی مظهر وقاحت، گستاخی و بی تربیه گی بود. روح شریر داشت و آدم بی رحمی بود" - وقیح، گستاخ، بی تربیه، صاحب روح شریرو بی رحم - موسوی

"جناب" جنرال در صفحه "۳۲۲" "رهبر توانا و سمبول وحدت" حزب شان را چنین معرفی می دارد:

"... پیرو خط عقیده تی مسکو بود و دوستی با اتحاد شوروی را به همه توصیه می کرد و آن را وظیفه هر افغان وطن دوست می دانست" و در همان صفحه می افزاید:

"... او امین را عضو سازمان جاسوسی سیا می شمرد و گاهگاهی به تره کی نیز چنین اتهاماتی وارد می کرد، اما بعد ها تره کی را بنیاد گذار حزب نامید و شادروان تره کی خطاب کرد. هیچ گاهی در امر وحدت حزبی موفق نشد. در حالی که به آن تظاهر می کرد ولی هواخواهان خود را ترجیح می داد ... - فاقد استقلال و وابسته، دو رو، فحاش فرکسیون باز - موسوی

همچنین نویسندگان "پشت پرده افغانستان" - دیه گو کوردو وز، سلیک اس هاریسون - که به خاطر خوش آمد روسها و پیشرفت مذاکرات ملل متحد در مورد افغانستان، گاهگاهی به صورت تلویحی از "ببرک و رژیمش" طرفداری نیز می کنند، در صفحه "۳۱" کتابشان به نقل از "ولادیمیر زگلادین" که در آن زمان معاون اول اداره بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی بود؛ نوشته اند:

"ببرک کارمل اظهار کرده است که رابطه عمده وی با "ک. گ. ب. ب." ویلیوز اوساد چی"، را برای ایجاد یک رژیم انتقالی به ریاست غیر کمونیستها که حزب دموکراتیک خلق افغانستان نیز در قدرت آن سهم باشد ترغیب می کرد. ... - رابطه با "ک. گ. ب. ب." - موسوی

تذکر:

در تمام نقل های قول صفحات قبل تکیه روی کلمات با علامت "\_\_\_\_\_" از صاحب این قلم است.

ادامه دارد